

## مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی

حمزه نوذری\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۰۹

### چکیده

نظریه انتخاب عقلانی علم اقتصاد در تحلیل کنش اقتصادی با دو مشکل اساسی مواجهه است. مشکل اعتبار، یعنی تأیید تجربی اصول بنیادین آن و مشکل موضوعیت، یعنی توان و ظرفیت توجه هم‌زمان به عوامل اجتماعی و ذهنی کنشگر. سنت‌های مختلف جامعه‌شناسی تلاش کرده‌اند برای پر کردن حفره‌های آن دیدگاه متفاوتی برای تحلیل کنش اقتصادی ارائه کنند اما این رویکردهای جامعه‌شناختی در سطح تحلیلی متفاوتی با نظریه انتخاب عقلانی کنش اقتصادی را توضیح داده‌اند بنابراین نتوانسته‌اند بدیل مناسبی برای آن باشند. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا جامعه‌شناسی اقتصادی می‌تواند سطح تحلیل علی نزدیک‌تری با آنچه نظریه انتخاب عقلانی اشاره دارد، ارائه کند که هم‌زمان به عوامل اجتماعی و ذهنیت کنشگر، محاسبه‌گری و روتین‌ها توجه کند؟ مبانی نظری این پژوهش رویکرد رابطه‌گرایی و نحوه تعامل کنش و ساختار موقعیت، ذهنیت حسابگرانه و روال‌ها است. روش پژوهش اسنادی و مبتنی بر تفسیر و مرور انتقادی متون دست‌اول جامعه‌شناسی است تا نحوه مواجهه نظری سنت جامعه‌شناسی با نظریه انتخاب عقلانی و امکان بدیل مناسب برای آن روشن شود. دو مفهوم دلایل عملی و روال‌ها در نظریه بورديو و شوتس در دو سنت فکری متفاوت می‌توانند توضیح جامعه‌شناختی مناسبی برای کنش اقتصادی در مقابل نظریه انتخاب عقلانی ارائه کنند که در این میان نظریه شوتس به جهت توجه هم‌زمان به رفتار حسابگرانه و عادات در توضیح کنش اقتصادی بدیل مناسبی است.

**واژگان کلیدی:** کنش اقتصادی، انتخاب عقلانی، عادتواره، روتین‌ها، منفعت شخصی.

### طرح مسأله

تحلیل کنش اقتصادی در علم اقتصاد اهمیت بنیادی دارد و توجه زیادی به انگیزه فردی و تصمیم‌گیری اقتصادی افراد می‌شود. عقلانی بودن و در جستجوی منفعت شخصی کنشگران، بنیاد علم اقتصاد است. اصل عقلانی بودن کنشگر، بنیاد علم اقتصاد است به این معنی که کنشگر با توجه به محدودیت‌های خود و کمیابی سعی می‌کند بهترین انتخاب برای دستیابی به منفعت شخصی اقتصادی انجام دهد. این اصل ساده زیربنای سایر اصول اولیه علم اقتصاد مانند عرضه و تقاضا است. به عبارتی، افراد با توجه به محدودیت منابع به دنبال بهترین وسیله برای دستیابی به اهداف مد نظرشان (منفعت شخصی اقتصادی و یا مطلوبیت) هستند. گرایش انسان این است که با عقل و تدبیر منابع کمیاب را برای دستیابی به هدفش به کار گیرد (Kirzner, 2005). تخصیص منابع برای حداکثر سازی منفعت شخصی اقتصادی تحت تأثیر اعتقادات، سنت‌ها و محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، فرض منفعت شخصی و کنشگر محاسبه‌گر اصل جهان‌شمول و همگانی است و تفاوتی میان کنش اقتصادی افراد در کشورهای مختلف با نهادها و تاریخ متفاوت وجود ندارد (Baure & Yamey, 1957:8). بر اساس دیدگاه بائر و یامی<sup>۱</sup> با وجود تفاوت فرهنگی، تاریخی و تکنولوژیکی بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه نیروی منفعت شخصی جنبه جهانی دارد. تفاوت ارزشی و نگرشی میان افراد در کشورهای مختلف آن قدر مهم نیست که اصل ساده و جهان‌شمول منفعت شخصی یا کنشگر محاسبه‌گر را دچار تردید کند. «این نوع عقلانیت یعنی جستجوی بهترین وسیله برای دستیابی به منفعت شخصی اقتصادی با توجه به کمیابی، اصل مشترک بین کنشگران است. اصل موضوعه عقلانیت نه تنها در بسیاری از محیط‌ها، محسوس به نظر می‌رسد بلکه تکنیک‌هایی را مجاز می‌شمارد که در آن افراد بر مبنای محدودیت‌های بودجه‌ای و سایر محدودیت‌ها سود خود را حداکثر می‌کنند» (Rodrik, 2016: 243). در علم اقتصاد متعارف فرض بر این است که انتخاب کنشگر، مستقل از تصمیم‌گیری سایر افراد است. از همه مهم‌تر، بنیاد علم اقتصاد این‌گونه است که کنشگران ترجیحات، اولویت‌ها (مطلوبیت‌ها) خاص و ثابتی نسبت به کالاها و خدمات دارند که راهنمای کنش اقتصادی آن‌ها است. مفهوم ترجیحات به فرض بیشینه‌سازی مرتبط است که ریشه در تئوری سودمند بودن دارد.

---

1. Bauer and Yamey

مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۱۹۷

این ادعا بیان می‌کند که کنشگر بین کالاهای مختلف کالایی را انتخاب می‌کند که بیشترین سودمندی برای او دارد (Neeli, 2013: 28).

مدل کنشگر عقلانی گاهی در درون علم اقتصاد مورد مناقشه قرار گرفته است. عقلانیت محدود هربرت سایمون<sup>۱</sup> (1955) و اقتصاد رفتاری دو نمونه هستند. باوجوداین، اکثر اقتصاددانان معتقدند نظریه انتخاب عقلانی یک رویکرد اقتصادی ظاهراً جامع برای همه رفتارهای انسان است (Becker, 1976). نظریه انتخاب عقلانی علم اقتصاد تلاش دارد مبنای عالی و انحصاری برای فهم کنش انسانی بیان کند (زفیروفسکی، 1997). علاوه بر این، لوکاس<sup>۲</sup> (1972) با طرح فرضیه انتظارات عقلایی<sup>۳</sup> بحث کنشگر محاسبه‌گر را برای توضیح اقتصاد کلان هم به کار گرفت. بر اساس نظریه لوکاس، افراد عقلایی، سیاست‌های دولت برای تحریک اقتصاد را ناکام می‌گذارند.

جامعه‌شناسی اقتصادی در مقابل علم اقتصاد متعارف سعی کرده است کنش اقتصادی را متفاوت توضیح دهد و نشان دهد که رفتار اقتصادی کنشگر آن‌گونه که علم اقتصاد توضیح می‌دهد، نیست (Beamish, 2007؛ Zafirovski and Levine 1997, Fever, 2003؛ Guilen, 2002). گاهی تصور می‌شود که مقابله جامعه‌شناسی با علم اقتصاد بر اساس دوگانه ارزش‌ها و منفعت شخصی استوار است. این نگاه کلی که ارزش‌ها و هنجارها (هرچند معنای متفاوتی دارند) همه‌جا هستند و رفتار اقتصادی را نیز متأثر می‌سازند، تصویری در میان اقتصاددانان شکل داده است که جامعه‌شناسی سعی دارد همه رفتارهای انسان را با کمک هنجارها توضیح دهد درحالی‌که مشخص نیست که این هنجارها چگونه شکل گرفته‌اند ضمن اینکه بسیار متغیرند و نمی‌توانند مبنای توضیح‌دهنده رفتار اقتصادی باشند (Granovetter, 1985).

در سه دهه گذشته جامعه‌شناسان اقتصادی سعی کرده‌اند با بهره‌گیری از مفهوم حک‌شدگی، کنش اقتصادی را توضیح دهند؛ اما آیا ارزش‌ها و هنجارها و حک‌شدگی می‌تواند چارچوب متفاوتی از نظریه انتخاب عقلانی و نظریه کنش اقتصادی علم اقتصاد ارائه کند. دی‌ماجیو و پاول<sup>۴</sup> (1991) و بکرت<sup>۵</sup> (1999) اشاره می‌کنند که نظریه انتخاب عقلانی

---

1. Simon

2. Lucas

3. Rational expectation

4. DiMaggio and Powel

5. Beckert

و نظریه جامعه‌شناختی حک‌شدگی در دو سطح مفهومی متفاوت قرار دارند. درحالی‌که اولی به این سؤال می‌پردازد که چگونه می‌توان از ساختار درونی کنش استفاده کرد، دومی در مورد متغیرهای بیرونی مؤثر بر روند کنش و پیامد به ما می‌گوید. پس مفهوم حک‌شدگی جایگزین الگوی کنشگر منطقی علم اقتصاد نیست. در این صورت، جامعه‌شناسان به دنبال بیان تأثیر متغیرهای بیرونی بر کنش اقتصادی هستند درحالی‌که مدل علم اقتصاد، کنش اقتصادی را بر اساس منفعت شخصی و رجحان‌های خود فرد توضیح می‌دهد.

اما آیا در این دو علم تلاشی برای تحلیل مناسب کنش اقتصادی با توجه به سطح فردی و اجتماعی انجام شده است؟ رودریک<sup>۱</sup> می‌نویسد در مدل‌های اقتصاددانان، تصمیمات اقتصادی کنشگران با توجه به محدودیت‌ها (مادی و اجتماعی) توضیح داده می‌شود؛ بنابراین به هر دو سطح فردی و اجتماعی توجه شده است؛ اما نکته مهم این است که هر توضیح منطقی درباره پدیده اجتماعی باید این پدیده را با کنش‌هایی وفق دهد که افراد انتخاب می‌کنند آن‌ها را انجام دهند مگر این‌که کسی بر این باور باشد که انسان‌ها در کل هیچ عاملیتی ندارند و رفتارشان به‌طور کامل به‌وسیله نیروهای خارج از کنترلشان تعیین می‌شود (Rodrik, 2016: 222). صرف‌نظر از اینکه توضیح رودریک، برای توجه هم‌زمان مدل‌های علم اقتصاد به سطح فردی و اجتماعی چقدر قانع‌کننده است، بحث این است که آیا جامعه‌شناسان توانسته‌اند کنش اقتصادی را متفاوت از علم اقتصاد و در سطح فردی توضیح دهند و یا فقط بر متغیرهای بیرونی مؤثر بر کنش تأکید دارند؟ به‌طور مشخص، سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

- (۱) آیا جامعه‌شناسی اقتصادی می‌تواند سطح تحلیل علی نزدیک‌تری با آنچه نظریه انتخاب عقلانی اشاره دارد، ارائه کند؟
- (۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی اقتصادی چگونه با کنش محاسبه‌گرایانه آن‌گونه که نظریه انتخاب عقلانی تحلیل می‌کند، مواجهه می‌شوند؟
- (۳) آیا در سنت جامعه‌شناسی، نظریه انتخاب عقلانی به‌کلی بی‌اعتبار است؟

### پیشینه تحقیق

چشم‌اندازهای اندکی در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی برای توضیح مسأله کنش اقتصادی وجود دارد که رویکرد هنجاری پارسونزی و رویکرد حک‌شدگی گرانووتر<sup>۱</sup> از آن جمله‌اند. بخش کوچکی از جامعه‌شناسان اقتصادی نیز استفاده از نظریه انتخاب عقلانی را برای فهم کنش اقتصادی در جامعه‌شناسی ضروری دانسته‌اند. بر این اساس، سه مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی در میان جامعه‌شناسان رواج بیشتری داشته است که در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی رویکرد حک‌شدگی حاکم بوده است. در ابتدا لازم است نوع مواجهه این سه سنخ با نظریه انتخاب عقلانی نقد و بررسی شود.

### توضیح کنش اقتصادی بر مبنای نظریه انتخاب عقلانی و توسعه آن

با افول نظریه پارسونز و به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۷۰ ادعای گروهی از جامعه‌شناسان این‌گونه بوده است که در تاریخ علم جامعه‌شناسی، تحلیل کنش اقتصادی در مقابل نظریه انتخاب عقلانی و کنشگر منطقی و هدفمند علم اقتصاد نبوده است. این دسته از جامعه‌شناسان سعی کرده‌اند مدل انتخاب عقلانی را برای توضیح کنش به‌کار گیرند. این‌گونه تلقی شده است که اساس اقتصاد و کنش اقتصادی، انتخاب عقلانی است و جامعه‌شناسی اقتصادی برای تحلیل پدیده‌های اقتصادی به ناچار مدل انتخاب عقلانی را به‌کار می‌گیرد. بر این اساس، نظریه انتخاب عقلانی قادر است هر کنشی را توضیح دهد و هدف جامعه‌شناسی اقتصادی به‌کارگیری این نظریه در عمل است. به‌نظر می‌رسد. برخی از جامعه‌شناسان اقتصادی با این رویکرد که جامعه‌شناسی اقتصادی بر اساس نسخه‌ای از الگوی انتخاب عقلانی، به‌عنوان مبانی نظری آن، بنا نهاده می‌شود توافق دارند و تصور تقابل جامعه‌شناسی اقتصادی در برابر نظریه انتخاب عقلانی را نادرست می‌دانند (Coleman, 1990; Heckter, 1986; Kiser and Heckter, 1998; 1994). این جامعه‌شناسان معتقدند و بر پیشگام نظریه انتخاب عقلانی است. وبر با طرح کنش عقلانی معطوف به هدف به‌عنوان مهم‌ترین کنش در دنیای جدید راه را برای توسعه این نظریه فراهم کرده است. بر اساس این رویکرد، مدل انتخاب عقلانی چارچوب مناسبی برای تحلیل کنش اقتصادی و سایر پدیده‌های اقتصادی در اختیار جامعه‌شناسان قرار می‌دهد. از نظر کلمن<sup>۲</sup>، نظریه انتخاب عقلانی و مفهوم منفعت می‌تواند

1. Granovetter

2. Coleman

بنیاد جامعه‌شناسی قرار گیرد. کلمن در کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی (1990) جایگاه بنیادی به منفعت شخصی و نظریه انتخاب عقلانی در تحلیل کنش داده است. وی در این کتاب پیشنهاد می‌کند که جامعه‌شناسی با این فرض نظریه انتخاب عقلانی شروع کند که کنشگر به دنبال افزایش منفعت شخصی اقتصادی با محاسبه‌گری است. این گزاره روشن می‌کند که کلمن کاملاً تحت تأثیر نظریه انتخاب عقلانی است و آن را مهم‌ترین نیروی کنش به‌طور عام و کنش اقتصادی به‌طور خاص می‌داند. به عبارتی، منفعت شخصی اقتصادی و محاسبه عقلانی نیروی اصلی پیش‌برنده کنش اقتصادی است.

در پی افول مدل هنجاری پارسونزی در تبیین کنش اقتصادی، کلمن سعی کرده است با بهره‌گیری از نظریه انتخاب عقلانی و رویکرد منفعت شخصی اقتصادی علم اقتصاد و استفاده از دو مفهوم منابع و کنترل، جایگاه جامعه‌شناسی را در تحلیل کنش اقتصادی ارتقا دهد. از نظر کلمن ارزش‌ها، هنجارها و سرمایه اجتماعی (اعتماد) باید به نتیجه ناخواسته کنش مبتنی بر منفعت شخصی کنشگر ربط داده شوند؛ اما اغلب جامعه‌شناسان اقتصادی رویکرد انتقادی نسبت به مدل انتخاب عقلانی و منفعت شخصی اقتصادی دارند و معتقدند این رویکرد نمی‌تواند واقعیت رفتار اقتصادی کنشگران را توضیح دهد. این جامعه‌شناسان سعی کرده‌اند در تقابل با این رویکرد ناقص و غیرواقعی، چارچوب متفاوتی برای تحلیل کنش به‌طور عام و کنش اقتصادی به‌طور خاص ارائه کنند؛ اما سؤال این است که این تلاش‌ها چقدر اقناع‌کننده بوده است؟ بکرت (1999) معتقد است تلاش جامعه‌شناسان اقتصادی با بهره‌گیری از مفهوم حک‌شدگی برای معرفی رویکرد جایگزین انتخاب عقلانی چندان موفقیت‌آمیز نبوده است و لازم است با بینش عمیق‌تری نظریات جامعه‌شناسی بازخوانی شود.

### توضیح کنش اقتصادی در سطح فرافردی

جامعه‌شناسان کلاسیک این بحث را مطرح کرده‌اند که کنش اقتصادی با توجه به زمینه اجتماعی قابل درک است (Dobbin, 2005). از نظر اغلب جامعه‌شناسان اقتصادی جدید مدل کنشگر عقلانی علم اقتصاد به‌عنوان امری ناقص دیده می‌شود زیرا توضیح نمی‌دهد که چگونه منفعت، مطلوبیت یا ترجیحات فرد ظهور پیدا می‌کنند. اشتباه است که فکر کنیم کنشگران فقط با انگیزه‌های خودخواهانه رفتار می‌کنند. برجسته‌ترین پژوهش برای این توضیح، اثر معروف تالکوت پارسونز یعنی "ساختار کنش اجتماعی (1937)" است. پارسونز معتقد است اهداف کنشگر تصادفی نیستند بلکه این اهداف به شکل خارجی توسط عوامل

## مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۰۱

اجتماعی تعیین می‌شوند. پارسونز تقسیم‌کار را بین اقتصاد و جامعه‌شناسی پیشنهاد می‌کند که براساس آن، اقتصاد به چگونگی انتخاب منطقی ابزارها برای اهداف معین و جامعه‌شناسی به موضوع ارزش‌های نهایی (اهداف) می‌پردازد. بحث اصلی پارسونز در "ساختار کنش اجتماعی" در این توضیح نهفته است که اهداف و ترجیحات کنشگر نشان‌دهنده ساختارهای اجتماعی (ارزش‌ها و هنجارها) است.

پارسونز و اسملسر (1965) اقتصاد را به‌عنوان زیر نظام اجتماعی کلی‌تری در نظر می‌گیرند که با سایر زیر نظام‌ها مانند سیاست و فرهنگ در تعامل و ارتباط است و هرکدام کارکرد متفاوت و درعین حال وابسته به یکدیگر دارند. کارکرد اقتصاد فراهم کردن ابزارهای عقلانی برای اهدافی است که توسط سایر زیر نظام‌ها فراهم می‌شود. پارسونز در نقد به رویکرد منفعت شخصی اقتصادی و انتخاب عقلانی بحث ارزش‌ها و هنجارهای موردتوافق جامعه را مطرح می‌کند اما به‌نظر می‌رسد تأکید بیش‌ازحد بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک درک درستی از کنش اقتصادی ایجاد نکرده است و این‌گونه تلقی می‌شود که انسان کاملاً مطیع ارزش‌ها و هنجارهای موردتوافق جامعه است. کنشگر رسوم، ارزش‌ها و هنجارها را در فرایند اجتماعی شدن درونی می‌کند و بدون توجه به منفعت شخصی و انتخاب عقلانی به‌صورت مکانیکی عمل می‌کند.

نقدهای بسیاری به نظریه پارسونز در خصوص تحلیل کنش اقتصادی مطرح‌شده است که به برخی اشاره می‌شود. براساس رویکرد پارسونز، هنجارها منبع نهایی کنش اقتصادی است و عاملیت و منفعت به‌طورکلی در این تحلیل کنار رفته است. گرانووتر (1985) معتقد است تقابل جامعه‌شناسی و اقتصاد در مسأله کنش اقتصادی تا سال‌ها بر این اساس استوار بوده است که در علم اقتصاد، کنش اقتصادی نتیجه پیروی از منفعت شخصی و انتخاب عقلانی فهم می‌شود و در علم جامعه‌شناسی، به علت حاکمیت رویکرد پارسونزی، کنش اقتصادی یکسره ناشی از ارزش‌ها و هنجارهای مبتنی بر وفاق است. وی (1985) در نقد این دو رویکرد می‌نویسد هر دو رویکرد نقطه اشتراکی دارند و آن این است که از نقش و تأثیر شبکه روابط بر کنش اقتصادی غفلت کرده‌اند. بکرت (1999) معتقد است رویکرد پارسونز در چارچوب همان وسیله و هدف قرار دارد با این تفاوت که اهداف به‌وسیله ارزش‌ها و هنجارها تعیین می‌شود. می‌توان گفت مدل پارسونز به دو دلیل نمی‌تواند جایگزین مدل انتخاب عقلانی باشد. دلیل نخست اینکه در مورد عوامل بیرونی مؤثر بر کنش کلیاتی را بیان می‌کند اما در مورد ساختار درونی کنش چیزی برای گفتن ندارد. دلیل دوم به این مسأله برمی‌گردد که نظریه پارسونز در چارچوب مدل هدف-وسیله

نظریه انتخاب عقلانی قرار دارد با این تفاوت که هدف را متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌داند.

### حک‌شدگی و مسأله کنش اقتصادی

جامعه‌شناسان اقتصادی مدل پارسونزی را برای تحلیل کنش اقتصادی مفید نمی‌دانند و سعی کرده‌اند چارچوب متفاوتی برای تحلیل رفتار اقتصادی ارائه کنند. مفهوم حک‌شدگی را نخستین بار پولانی<sup>۱</sup> مطرح کرد تا نشان دهد بازار خود تنظیم‌گر، حک‌شده در جامعه فعال است (Polanyi, 2012) و جامعه‌شناسان اقتصادی از جمله گرانووتر از آن بهره گرفتند تا توضیح دهند رفتار اقتصادی حک‌شده در شبکه روابط اجتماعی است. گرانووتر در مقاله "کنش اقتصادی و ساخت اجتماعی: مسأله حک‌شدگی" (1985) به این نتیجه رسیده است که رفتارها و نهادها تحت تأثیر روابط اجتماعی هستند. او در نقد انسان اتمیزه شده و کم‌اجتماعی شده علم اقتصاد معتقد است که جریان اصلی علم اقتصاد، تأثیر شبکه روابط در کنش اقتصادی را نادیده گرفته است. شبکه روابط اجتماعی همیشه تأثیر دارند و نمی‌توان در تحلیل پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از آن غفلت کرد. از منظر علم اقتصاد، شبکه روابط اجتماعی تأثیر بسیار کمی بر رفتار عقلانی و منفعت‌طلبانه اقتصادی افراد دارند. از نظر گرانووتر، این ادعا فقط به‌طور ذهنی قابل تصور است و در واقعیت چنین چیزی ممکن نیست. ادعای اقتصاد مدرن را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که رفتارهای اقتصادی از روابط اجتماعی منفک شده‌اند و اقتصاد (بازار) حوزه متمایزی شده است که الزامات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این حوزه چندان اثرگذار نیستند و روابط اجتماعی امر ثانویه و پسینی است که از رفتار اقتصادی حسابگرانه حاصل شده است. پژوهشگران تحلیل شبکه این ادعا را به پرسش گرفته‌اند و معتقدند رفتارهای اقتصادی مستقل از روابط اجتماعی نیست.

بر خلاف علم اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک که روابط اجتماعی مانع و بازدارنده در اقتصاد تلقی می‌شود از نظر اصحاب تحلیل شبکه، نه‌تنها کنش اقتصادی حک‌شده در روابط اجتماعی است بلکه بازار نیز به‌مثابه شبکه روابط اجتماعی باید در نظر گرفت. حذف روابط اجتماعی در تحلیل اقتصادی، اقتصاددانان را از تحلیل واقعیت دور کرده و باعث شده است که کنش و بازار در علم اقتصاد کاملاً ذهنی و تخیلی باشند. پیروی از منفعت شخصی

---

1. Polanyi



مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در...؛ نوذری ۲۰۳

اقتصادی (فایده‌گرایی) کنشگر را متمیزه می‌کند و متن اجتماعی تنها اثر حاشیه‌ای و غیرمهمی بر رفتار اقتصادی دارد. درحالی‌که «کنشگران به‌عنوان اتم‌های خارج از زمینه اجتماعی رفتار نکرده و تصمیم نمی‌گیرند» (Granovetter, 1985).

پژوهشگران تحلیل شبکه علاوه بر نقد به رویکرد کنشگر متمیزه‌شده علم اقتصاد، رویکرد پارسونزی را هم به‌جهت نادیده گرفتن تأثیر شبکه روابط اجتماعی نمی‌پذیرند. گرانووتر معتقد است، دیدگاه پارسونز اهمیت لازم برای روابط اجتماعی در تحلیل کنش قائل نیست. گرانووتر بر این دیدگاه است که هنجارها و ارزش‌های انسان‌ها متفاوت‌اند به این دلیل که شبکه روابط اجتماعی افراد متفاوت است. پژوهشگران تحلیل شبکه معتقدند تحلیل سازنده از کنش انسانی نیازمند پرهیز از دیدگاه متمیزه بودن (ادراک کمتر از حد اجتماعی شده) علم اقتصاد و نسخه پیروی برده‌وار از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (ادراک پیش از حد اجتماعی شده) پارسونزی است. پس از طرح مفهوم حک‌شدگی در تحلیل کنش اقتصادی توسط گرانووتر سایر جامعه‌شناسان سعی کرده‌اند مفهوم حک‌شدگی را با بحث در مورد انواع دیگر آن مانند، حک‌شدگی شناختی، حک‌شدگی فرهنگی، حک‌شدگی ساختاری و سیاسی گسترش دهند (Zukin & DiMaggio, 1990).

نقدهایی به مدل حک‌شدگی گرانووتر وارد شده است از جمله:

۱. این رویکرد در درون اقتصاد کلاسیک قرار دارد با این تفاوت که فرض وسیع‌تری درباره شبکه روابط بیان می‌کند. به‌عبارتی، تحلیل شبکه بر پیوندهایی تأکید دارد که برخاسته از سود و منفعت است.

۲. رویکرد حک‌شدگی از تحلیل ابعاد ساختاری در تحلیل کنش غفلت کرده است به‌طوری‌که از درک تأثیر موضوعات کلان اجتماعی بر کنش ناتوان است (نگاه کنید به Swedberg, 2004)

۳. آیا مدل حک‌شدگی می‌تواند جایگزین کنش عقلانی و ساختار درونی کنش شود؟ به نظر می‌رسد حک‌شدگی نیز عوامل بیرونی تأثیرگذار بر کنش اقتصادی را تحلیل می‌کند و در سطح تحلیلی متفاوت با نظریه انتخاب عقلانی قرار دارد. درحالی‌که مدل انتخاب عقلانی به این سؤال می‌پردازد که چگونه می‌توان ساختار درونی کنش را توضیح داد اما حک‌شدگی به متغیرهای بیرونی مؤثر بر روند کنش اشاره دارد. «مفهوم حک‌شدگی منجر به توسعه مفاهیمی نشده است که بتواند گزینه دیگری برای الگوی کنشگر منطقی اقتصاد ارائه دهد» (DiMaggio & Powell, 1991, Beckert, 1999). براین‌اساس، لازم است

واکاوی عمیق‌تری در سنت جامعه‌شناسی برای ارائه دیدگاهی بدیل در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی انجام شود.

مرور انتقادی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تلاش‌های نظری صورت گرفته برای توضیح رفتار اقتصادی جایگزین نظریه انتخاب عقلانی نبوده و نهایتاً تلاش شده است متغیرهای بیرونی مؤثر بر رفتار اقتصادی توضیح داده شود. تفاوت این پژوهش با تحقیقات قبلی این است که تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد آیا می‌توان درون نظریه‌های جامعه‌شناسی توضیح مفیدتری برای ساختار درونی کنش اقتصادی یافت که متفاوت از نظریه انتخاب عقلانی یا کنشگر منفک از جامعه (جستجوی منفعت شخصی) باشد. یا اینکه جامعه‌شناسی اقتصادی باید به تأثیر عوامل بیرونی بر رفتار اقتصادی با توجه به مفهوم ارزش‌ها و هنجارها یا حک‌شدگی بسنده کند؟ این پژوهش سعی کرده است نشان دهد در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی این مسأله به خوبی توضیح داده نشده است اما می‌توان درون سنت غنی جامعه‌شناسی پاسخی برای این مسأله یافت. واکاوی سنت جامعه‌شناسی بر اساس توجه هم‌زمان به عوامل اجتماعی و ذهنیت کنشگر و محاسبه‌گری و روتین‌ها در تحلیل کنش اقتصادی، وجه تمایز این پژوهش از سایر پژوهش‌ها است.

### مبانی نظری

هدف از طرح مبانی نظری صرفاً ایجاد حساسیت نظری و نشان دادن رویکرد پژوهش است و بحث نظریه‌آزمایی و آزمون فرضیه و امثالهم، مطلقاً وجهی ندارد. برای مدت‌ها تفکر دوگانه انگارانه برای تحلیل کنش اقتصادی مسلط بوده است. یکی از اهداف این پژوهش به چالش کشیدن این نوع تفکر است. رویکرد دوگانه انگارانه، تحلیل‌گران کنش را وادار به انتخاب یکی از آن‌ها می‌کند و در حقیقت میان دو نوع تفکر رابطه آنتاگونیسمی (تخاصم) برقرار بوده است. این در حالی است که دو تفکر در دو سطح متفاوت مفهومی و تحلیلی قرار داشته‌اند. نظریه انتخاب عقلانی مبتنی بر کنشگر آگوئیسمی و نظریه کل‌نگری هنجاری پارسونز که به نظر دو تفکر ضد هم در مطالعه و تحلیل کنش اقتصادی هستند. نظریه انتخاب عقلانی بر این ادعا است که افراد در جهت دست‌یابی به منفعت شخصی مدام دست به محاسبه می‌زنند و سعی می‌کنند بهترین وسیله و ابزار در جهت تحقق مطلوبیت خود به کارگیرند این در حالی است که رویکرد کل‌نگری هنجاری پارسونز رفتار اقتصادی را خارج از منفعت شخصی و در چارچوب هنجارها و ارزش‌ها توضیح می‌دهد. هر دو رویکرد یک‌سویه نگر هستند. درحالی‌که نظریه انتخاب عقلانی افراد را عاملانی منحصر به فرد در نظر

مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۰۵

می‌گیرد که بهترین انتخاب‌های ممکن را انجام می‌دهند اما درعین حال رابطه افراد با هم و با جامعه را در تحلیل در نظر نمی‌گیرد. رویکرد کل‌نگری هنجاری برای تحلیل کنش اقتصادی بر فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند اما عاملیت به فراموشی سپرده شده است و هرگونه محاسبه‌گری کنشگران طرد می‌شود. تحلیل کنش اقتصادی چه بر اساس نظریه انتخاب عقلانی و چه طبق رویکرد کل باوری هنجاری عمیقاً مشکل‌آفرین هستند به‌گونه‌ای که هر دو راه افراط و تفریط پیموده‌اند. گرانووتر (1985) سعی کرده است کنش اقتصادی را متفاوت از این دو رویکرد مسلط توضیح دهد. وی مسأله اصلی این دو رویکرد را نادیده انگاشتن شبکه روابط اجتماعی در تحلیل کنش اقتصادی می‌داند. همانگونه که در نقد و بررسی رویکرد حک شدگی بیان شد این نظریه هم نتوانسته است جایگزین نظریه انتخاب عقلانی شود چون در سطح تحلیلی متفاوتی قرار دارد.

رویکرد رابطه‌گرایی تلاش کرده است بین عاملیت و ساختار، کنش و فرهنگ برحسب رابطه دیالکتیکی توضیح دهد؛ اما در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی به جهت حاکمیت رویکرد حک شدگی تلاش چندانی برای تحلیل کنش اقتصادی بر اساس رویکردی متفاوت صورت نگرفته است. یکی از مفاهیم محوری برای تحلیل کنش اقتصادی مشخص کردن رابطه میان محاسبه‌گری با عادات، روال‌ها و روتین‌ها در توضیح رفتار اقتصادی است. از طرفی با انسان محاسبه‌گر نظریه انتخاب عقلانی علم اقتصاد مواجهه هستیم و از سوی دیگر نقشی که روال‌ها و روتین‌ها در تحلیل کنش اقتصادی بازی می‌کنند؛ اما آیا در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی می‌توان گفت کنش اقتصادی مدام و پیوسته بر اساس عادت‌واره شکل می‌گیرد و هرگونه محاسبه‌گری و اندیشه عقلانی درباره وسیله و هدف باید کنار گذاشته شود یا گونه دیگری می‌توان اندیشید؟ در این میان تحلیل رابطه کنش با ساختار موقعیت بسیار مهم است (Boudon, 1981). با توجه به ساختار موقعیت، کنش اقتصادی بر اساس محاسبه یا عادات انجام می‌شود. به عبارتی، بسته به موقعیت و ساختار آن راهبرد غالب کنشگران در کنش اقتصادی می‌تواند محاسبه‌گری یا عمل بر اساس روتین‌ها و روال‌ها باشد. بر این اساس، می‌توان علاوه بر اینکه هم‌زمان ویژگی‌های اجتماعی و رفتار محاسبه‌گرایانه را مطالعه کرد، امکان تحلیل کنش اقتصادی در سطح خرد هم فراهم آورد.

### روش تحقیق

بخش قابل توجهی از پژوهش‌های نظری و بنیادی در جامعه‌شناسی و حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی از مواجهه نظری با سایر متون و اسناد به‌دست‌آمده است. جامعه‌شناسان کلاسیک

و جامعه‌شناسان اقتصادی جدید برای نظریه‌پردازی از اسناد و متون بهره گرفته‌اند. این پژوهش نیز سعی کرده است منابع و نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی را واکاوی کند تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا برای توضیح کنش اقتصادی به‌جز مفهوم هنجارها و حکم‌شدگی که عوامل بیرونی مؤثر بر کنش را تحلیل کرده‌اند، می‌توان دیدگاه بدیل برای نظریه انتخاب عقلانی در سطح خرد و یا تلفیق خرد و کلان یافت؟ به‌عبارتی، در این پژوهش بررسی اسناد و متون حول این پرسش بنا شد که آیا جامعه‌شناسان اقتصادی در دست‌وپنجه نرم کردن با مفهوم کنش اقتصادی به مفهومی مفید در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی دست‌یافته‌اند؟ براین‌اساس، مقاله حاضر با استفاده از روش پژوهش اسنادی مبتنی بر تفسیر متون انجام شده است. در تحقیقات اسنادی، پژوهش با توجه به مطالعه اسناد و یافتن شواهد در آن صورت می‌گیرد. شیوه پاسخگویی به سؤالات مرور نظام‌مند است. بر اساس مرور نظام‌مند این مراحل انجام شد. الف) تعیین منابع که شامل شناسایی و گزینش متون مرتبط بود. با توجه به مسأله، سؤالات و مبانی نظری پژوهش متونی موردتوجه قرار گرفت که چند ویژگی اصلی داشته باشند: نخست، رابطه کنش اقتصادی با ساختار موقعیت در آن‌ها موردتوجه قرار گرفته باشد. دوم، هم‌زمان به عوامل اجتماعی و ذهنیت کنشگر در رفتار اقتصادی پرداخته شده باشد. سوم، مواجهه نظری با نظریه انتخاب عقلانی علم اقتصاد داشته باشد. چهارم، تحلیل رابطه میان محاسبه‌گری با روتین‌ها و عادات (رسوب امر اجتماعی در ذهنیت کنشگر) در این متون وجود داشته باشد. براین‌اساس، نظریه‌های بوردیو و شوتس بیش از همه قابلیت مطالعه و تحلیل پیدا کردند. نظریه بوردیو به‌جهت تحلیل کنش اقتصادی و مواجهه مستقیم با نظریه انتخاب عقلانی و تلاش برای معرفی رویکرد بدیل انتخاب شد و در سنت جامعه‌شناسی خرد، نظریه شوتس<sup>۱</sup> به‌جهت فراهم کردن بنیاد نظری برای محدود کردن نظریه انتخاب عقلانی به موقعیت‌های بحث‌برانگیز، بررسی شد. سعی شده است متون دست‌اول این نظریه‌پردازان با هدف استخراج نتایج نظری از آن‌ها در مقایسه و مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی انتخاب شوند. گاهی نیز از متون دست‌دوم که شارحان این نظریه‌پردازان مطرح کرده‌اند استفاده شده است. ب) مرور انتقادی. در مرحله نقد نظری متون ابتدا چالش‌های هر نظریه در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی استنباط شد و در مرحله بعد سعی کردیم با دسته‌بندی و مواجهه متون با یکدیگر مسأله کنش اقتصادی به بحث گذاشته شود. ج) نتیجه‌گیری. بر اساس مواجهه نظری و گفتگوی انتقادی میان

مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۰۷

نظریه‌های بوردیو و شوتس با رویکرد انتخاب عقلانی سعی شد به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود.

### یافته‌های تحقیق

ارائه یافته‌ها ناظر به پرسش‌های مقاله و اصولاً صورت‌بندی مسأله مورد پژوهش است که بر اساس آن بتوان مرحله‌به‌مرحله به یافتن پاسخ به پرسش‌های مقاله و اصولاً نوعی دریافت از چگونگی پاسخ به وجه مسأله‌مند و پروبلماتیک مقاله نزدیک‌تر شد. ابتدا سنت نظری بوردیو در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی و قابلیت آن برای ارائه رویکرد بدیل تحلیل می‌شود در ادامه همین روند در نظریه شوتس دنبال می‌شود و در پایان موضوعیت و اعتبار هر دو برای جایگزینی نظریه انتخاب عقلانی تحلیل می‌شود.

### دلایل عملی جایگزین انتخاب عقلانی: طرد کامل محاسبه‌گری

بخش زیادی از آثار بوردیو به نقد رویکرد انتخاب عقلانی و منفعت شخصی اقتصادی و تلاش برای معرفی رویکرد بدیل اختصاص یافته است. وی نشان داده است که کنش اقتصادی افراد برای حداکثرسازی سود مبتنی بر انتخاب‌های حسابگرانه و نیت‌ها آگاهانه نیست و تلاش می‌کند از اقتصادگرایی و نظریه انتخاب عقلانی برای توضیح کنش اقتصادی رهاشده و به نقد آن بپردازد (Grenfell, 2008: 234). کنش اقتصادی از نظر بوردیو لزوماً امری نیت‌مند و هدفمند بر اساس محاسبات چرتکه‌ای نیست. کنش افراد عقلایی است بدون اینکه محاسبات عقلانی قبلی وجود داشته باشد. بوردیو معتقد است مبنای انتخاب فرد، محاسبه عقلانی نیست. وی در کتاب دلایل عملی و نظریه کنش دو فرضیه اصلی نهفته در نظریه انتخاب عقلانی را بیان و سعی می‌کند در رد آن، رویکرد دیگری برای فهم کنش اقتصادی معرفی کند. «فرضیه اول، وانمود می‌شود کنشگران اجتماعی به دلایل آگاهانه به حرکت در آمده‌اند، گویی که آن‌ها آگاهانه اهداف عقلانی خود را مطرح و به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که حداکثر کارایی را با کمترین هزینه به‌دست می‌آورند. فرضیه دوم، رویکرد انسان‌شناختی مطرح می‌شود: هر آنچه می‌تواند افراد را به حرکت درآورد به منافع اقتصادی و سود پولی کاهش داده می‌شود. در یک کلام فرض می‌شود که اصل عمل، منافع اقتصادی کاملاً اندیشیده شده و هدف آن سود مادی است که آگاهانه از طریق محاسبه عقلانی مطرح می‌شود» (Bourdieu, 1998: 79). بوردیو منتقد این دیدگاه است که رفتار همیشه مبانی غایت‌انگازانه و از پیش‌اندیشیده شده دارد. به‌عبارتی عاملان اجتماعی که فراست بازی دارند

بر اساس الگوهای عملی رفتار می‌کنند بدون این‌که رفتارهای خود را به‌عنوان غایت، مد نظر قرار دهند. عوامل اجتماعی درگیر عملیات ذهنی و محاسبات کمی آن‌گونه که نظریه انتخاب عقلانی معتقد است، نیستند.

بورديو، کنش را به‌طور عام و کنش اقتصادی را به‌طور خاص بر اساس مفهوم عادتواره و ارتباط آن با میدان توضیح می‌دهد. وی، مبنای انتخاب عقلانی براساس فاعل شناسا و شیء مورد شناخت (ابژه) را مورد نقد قرار می‌دهد. او همچنین نظریه بازی که مبتنی بر در نظر گرفتن هدف استراتژیک از طرف کنشگر است را غیرواقعی می‌داند اما از استعاره میدان بازی استفاده می‌کند تا رویکرد جایگزین نظریه انتخاب عقلانی معرفی کند. از نظر بورديو، اگر مبنای کنش اقتصاد را به محاسبه‌گری و منطق عقلانی مدنظر اقتصادگرایی تقلیل دهیم هوش مصنوعی و سیستم‌های محاسباتی می‌توانست جایگزین انتخاب‌های انسان شود درحالی‌که چنین نشده است. عمل افراد اجتماعی (اعم از پزشکی که بیماری را تشخیص می‌دهد یا استادی که برگه‌های امتحان را تصحیح می‌کند) دارای سیستم‌های طبقه‌بندی بسیار پیچیده‌ای هستند که در اثر تمرین بسیار به‌دست می‌آید (Bourdieu, 1998: 82). بر اساس دیدگاه بورديو، عقلانیت محاسبه‌گر را به‌عنوان اصل راهنمای کنش باید کنار گذاشت. بر اساس نظر وی، رابطه میان عوامل اجتماعی با اهداف، اصلاً محاسبه آگاهانه و فایده‌ای نیست که مکتب انتخاب عقلانی و اقتصادگرایی متعارف بر اساس آن استوار است.

### رابطه کنش اقتصادی با میدان

بحث دیگر بودیو در خصوص کنش اقتصادی به رابطه آن با میدان برمی‌گردد. کنش اقتصادی در یک بازار اقتصادی متفاوت با کنش اقتصادی در خانواده است. به‌عبارتی، کنش اقتصادی در همه میدان‌ها بر اساس منطق محاسبه‌گری نیست. بورديو، جهان‌شمول بودن نظریه انتخاب عقلانی را نمی‌پذیرد و معتقد است کنش‌ها در هر میدان اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد. به‌عبارتی، در تمامی میدان‌ها، کنش اقتصادی مبتنی بر منفعت شخصی اقتصادی انجام نمی‌شود و اقسام مختلف منفعت وجود دارد همان‌گونه که انواع میدان‌های اجتماعی وجود دارد. هر میدان اجتماعی منفعت خاص خود را تولید می‌کند که از منظر میدان دیگر ممکن است بی‌منفعتی و بی‌طعمی نشان داده شود (Bourdieu, 1998: 84-85). بورديو برای تحلیل کنش اقتصادی به‌جای نظریه انتخاب عقلانی از مفاهیمی مانند عادتواره و میدان استفاده می‌کند و برای نشان دادن این نکته که منفعت فقط اقتصادی نیست از مفاهیمی مانند اشتغال خاطر، دغدغه و سرمایه نمادین بهره می‌برد. مفاهیم بورديو

مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۰۹

برای نشان دادن این موضوع است که می‌توان از فلسفه شعور و انتخاب آگاهانه و محاسبه‌گرایانه نظریه انتخاب عقلانی که ناتوان از توضیح کنش‌هایی که خالی از منفعت شخصی اقتصادی است، فراتر رفت. بوردیو در تمامی آثارش از پژوهش اولیه در خصوص کار و کارگران در الجزایر تا کارهای بعدی، نظریه انتخاب عقلانی برای توضیح کنش اقتصادی را موردانتقاد قرار داده است. از نظر وی، کنش به معنی عام و کنش اقتصادی به معنی خاص را نمی‌توان به مثابه یک ماشین حساب در نظر گرفت.

### تحلیل کنش اقتصادی بر مبنای عادتواره

بوردیو برای توضیح کنش اقتصادی مفهوم عادتواره را به کار می‌گیرد که به معنای هوشمندی عملی است و به عاملان اجتماعی کمک می‌کند که جهت بازی را تشخیص دهند و به موفقیت دست یابند. مثلاً در میدان اقتصاد به سرمایه‌گذاری روی بیاورند و به سودآوری نیز برسند. عادتواره محصول درونی کردن روندها و قاعده‌مندی‌ها است. کنش اقتصادی لازم ندارد در قالب یک نقشه از پیش تعیین شده یا یک اقدام عامدانه و عالمانه مبتنی بر محاسبه انجام شود. کنش اقتصادی متأثر از عادتواره انجام می‌شود. خلاصه این‌که بوردیو برای توضیح کنش اقتصادی، مدل کنشگر علم اقتصاد که مبتنی بر فلسفه شعور یا همان نظریه انتخاب عقلانی است کنار می‌گذارد بدون این‌که مانند نظریه پارسونز عاملان اجتماعی را نابود کند. هرچند عاملان اجتماعی محصول ساختارند اما مدام تحت شرایطی این توانایی را دارند که شرایط ساختاری میدان و در نتیجه کنش اقتصادی خود را تغییر دهند. بوردیو، مدام انسان ماشین حسابی علم اقتصاد و نظریه انتخاب عقلانی را نقد می‌کند و انسان اقتصادی علم اقتصاد متعارف و نظریه انتخاب عقلانی را هیولای انسان‌شناختی تلقی می‌کند (Bourdieu, 2005: 82). وی برخلاف جامعه‌شناسانی مانند کلمن که سعی کرده‌اند نظریه انتخاب عقلانی را در جامعه‌شناسی به کار گیرند معتقد است چنین رویکردی «مستلزم عقیم‌سازی جامعه‌شناسی است» (Swedberg, 2005: 71).

بوردیو برای توضیح کنش اقتصادی سعی می‌کند از تلفیق کنش و ساختار بهره ببرد تا در دامن ساختارگرایی سقوط نکند. پس بوردیو نظریه بدیل مدل کنش عقلانی علم اقتصاد را در قالب مفهوم عادتواره ارائه می‌کند و بر اساس آن معتقد است اکثر کنش‌های انسانی حتی کنش اقتصادی بر چیزی به جزء قصد از پیش تعیین شده و محاسبه مبتنی‌اند. کنشگران، کنش اقتصادی را نه مبتنی بر شناخت کامل از علل بلکه بر مبنای نظامی از ترجیحات، ذوق و سلیقه و ساختار دانشی پایدار که محصول ذهنی شدن ساختارهای عینی

است و الگوهای عمل که مبتنی بر درک انجام آن چیزی است که در یک شرایط خاص باید انجام داد، انجام می‌دهند (Bourdieu, 1998: 25). در عادتواره فرد قانون جهت‌گیری، انگیزه و حرکت وجود دارد که او را به سوی کنش خاصی سوق می‌دهد مثلاً انتخاب سرمایه‌گذاری در یک مؤسسه مشهور اما رو به افول یا یک مؤسسه گمنام اما رو به رشد چگونه ممکن است. فرد بر اساس عادتواره و سرمایه اجتماعی و فرهنگی که دارد دست به انتخاب می‌زند (Ibid).

### تفسیر کنش اقتصادی با توجه هم‌زمان به عوامل اجتماعی و ذهنیت کنشگر

برخلاف مدل ارزشی، هنجاری و مدل حک‌شدگی که فقط نشان‌دهنده تأثیر متغیرهای بیرونی بر کنش اقتصادی است، بوردیو در توضیح مسأله کنش اقتصادی، ساختار اجتماعی و عاملیت فردی را با یکدیگر تلفیق کرده و سعی کرده است نشان دهد چگونه بیرونیت (امر اجتماعی) و درونی (شخصی) به شکل دادن هم‌یاری می‌رسانند. «عادتواره مشخص می‌کند چگونه ما سرنوشت خود را با خود به دوش می‌کشیم و چگونه تصمیم می‌گیریم به گونه‌ای خاص و نه به هر شکل دیگر کنش داشته باشیم. این روند پویا و سیال است ما درگیر روندی مدام از ساختن سرگذشت خود هستیم اما در وضعیتی نیستیم که همه‌چیز مطابق میل خودمان باشد. زمانی از زندگی که هر لحظه در آن قرار داریم نتیجه اتفاقات بی‌شماری از گذشته است که مجموعه آن‌ها مسیر زندگی ما را شکل می‌دهد. ما در این مسیر در هر لحظه با دو راهی‌ها و گزینه‌های گوناگونی روبرو هستیم» (Mayten, 2008: 107).

از نظر بوردیو، اینکه ما بین گزینه‌های مختلف چگونه دست به کنش می‌زنیم به وضعیت میدان (زمینه کنش) و عادتواره (تمایلات) بستگی دارد. بر اساس عادتواره است که در کنش اقتصادی یک فرصت اقتصادی را می‌بینیم و فرصتی دیگر از چشم ما پنهان است. مفهوم عادتواره برخلاف مفهوم حک‌شدگی بر مجموعه دوگانگی‌ها (ساختار و عاملیت، فرد و جامعه، عینیت و ذهنیت) فائق می‌آید. براین اساس، کنش اقتصادی بر اساس ذهنیت عاملان اجتماعی شکل می‌گیرد اما ذهنیت اجتماعی شده. عادتواره و ذهنیت به نحو خاص اجتماعی شده ما را به سوی کنش اقتصادی و منفعت مشخص هدایت می‌کند. عادتواره را می‌توان در قالب مفاهیمی مانند مهارت عملی و دانش عملی درک کرد. عادتواره «واسطه‌ای بین مجموعه‌ای از دوگانگی‌هایی است که در نگاه نخست متضاد یکدیگر تلقی می‌شوند و همین پیوند قادر است هنجارهای اجتماعی را به تجربه عاملان متصل سازد» (Ibid: 111). پس مولد کنش اقتصادی، ذهنیت محاسبه‌گر و ماشینی نیست. از نظر بوردیو، خصلت، خو،



مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۱۱

تمایلات و عادتواره فرد در ارتباط با میدان اجتماعی است که کنش اقتصادی وی را رقم می‌زند. ارتباط بین این دو، کلید درک کنش به شکل عام و کنش اقتصادی به‌طور خاص است. با مثالی این موضوع را می‌توان توضیح داد، برای برخی افراد کنش اقتصادی در بورس مانند ماهی خارج از آب است یعنی فکر می‌کنند بورس جایی برای امثال آن‌ها نیست؛ یعنی عادتواره و خصلت آن‌ها با این میدان هماهنگ نیست اما برای برخی دیگر کنش اقتصادی در بورس مانند ماهی در آب است؛ یعنی احساس راحتی دارند و عادتواره آن‌ها با قواعد میدان بورس همگون است. عادتواره می‌تواند مهارت عملی برای ما ایجاد کند که تمایل بیشتری برای نوعی خاص از کنش در ما ایجاد شود. اینکه عاملان اجتماعی چه چیزی را درست یا نادرست می‌پندارند و کدام نوع رفتار را معقول یا غیرمعقول می‌دانند و چه چیزی را ممکن یا ناممکن می‌دانند همگی در عادتواره شکل گرفته‌اند. بورديو، اقتصاد را نیز یک میدان در نظر می‌گیرد که عاملان اجتماعی در این میدان نیز عادتواره‌ها و تمایلات اقتصادی خود را وارد می‌کنند (Bourdieu, 2005: 82).

**قابلیت نظریه بورديو برای تحلیل کنش اقتصادی در مواجهه با نظریه انتخاب**

#### **عقلانی**

نقدهای متعددی به نظریه بورديو مطرح شده است. جنکیز معتقد است هرچند که بورديو به رابطه بین ساختارهای اجتماعی و ساختارهای ذهنی برای تحلیل کنش معتقد است اما در نهایت وی به عینیت‌گرایی درباره کنش پایبند است و مهم‌ترین ضعف نظریه بورديو ناتوانی در کنار آمدن با مسأله ذهنیت است (Jenkins, 2002:97). اسمیت می‌نویسد بورديو بر همسانی‌های ساختارهای موجود در عادتواره و ساختارهای اجتماعی پافشاری می‌کند و کمتر به وجود تناقض و ناپیوستگی تأکید می‌کند (Smith, 2014:327). به‌نظر می‌رسد اهمیت و تأثیر عادتواره بیشتر در حوزه رفتار مصرفی قابل تحلیل است و این تأثیر در رفتار تولیدی و سامان‌دهی کار کمتر وجود دارد؛ اما مهم‌ترین نقدی که به نظریه بورديو در تحلیل کنش اقتصادی می‌توان مطرح کرد این است که نظریه عادتواره نیز مانند نظریه انتخاب عقلانی نوعی امپریالیسم بنیان می‌گذارد که به‌دنبال بنیاد استعلایی و جهان‌شمول برای کنش و کنش اقتصادی است. همان‌گونه که همه رفتارهای اقتصادی را نمی‌توان برپایه محاسبه‌گری کنشگر تحلیل کرد همه کنش‌های اقتصادی نیز بر مبنای عادتواره قابل تفسیر نیست. بدون تردید در دوره‌هایی از زندگی اقتصادی موقعیت‌هایی بحث‌برانگیزی وجود دارد که افراد نمی‌توانند تصمیمات اقتصادی را مبتنی بر عادتواره انجام دهند.

به عبارتی، در همه موقعیت‌ها نمی‌توان کنش را بر پایه عادات پیش برد. موقعیت‌های چالش‌برانگیزی وجود دارد که با عادتواره کنشگر ناسازگار است و فرد مجبور است در آن بازاندیشی کند. نکته بوردیو از این حیث که عاملان اجتماعی مدام محاسبه نمی‌کنند درست است اما از توضیح اینکه کنشگران در موقعیت‌های حساسی مجبور به محاسبه‌گری و منطق چرتکه‌ای می‌شوند، ناتوان است.

### کنش اقتصادی، روال‌ها و روتین‌ها

نظریه‌های جامعه‌شناسی اقتصادی در تمایز با نظریه انتخاب عقلانی علم اقتصاد، کنش اقتصادی را کنشی تا حد زیاد غیر محاسبه‌شونده در نظر می‌گیرند. بوردیو آن را بر اساس عادتواره و رابطه آن با میدان توضیح می‌دهد اما قبل از وی، شوتس به‌عنوان پیشگام جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه کنش را به روال‌ها و روتین‌ها نسبت می‌دهد. تفسیرهای مختلفی از نظریه شوتس انجام شده است گاه رویکرد وی را جبرگرای فرهنگی می‌خوانند که در مسأله کنش به فاعلیت کنشگر توجه چندانی ندارد (Habermas, 1984). زمانی او را به‌خاطر جهت‌گیری خردبینانه‌اش می‌ستایند به این دلیل که به شیوه‌های ساخت واقعیت اجتماعی به‌وسیله کنشگران تأکید می‌کند به‌نحوی که روش‌شناسان مردم‌نگار و حتی برگر و لاکمن<sup>۱</sup> در تدوین کتاب ساخت اجتماعی واقعیت (۱۹۶۷) این برنامه پژوهشی را از وی وام گرفتند (Ritzer, 1995: 331). در برخی مواقع نیز پژوهشگرانی مانند بنتون و کرایب کار شوتس را ارائه‌دهنده مبنایی برای نظریه انتخاب عقلانی در نظر می‌گیرند (Benton & Craib, 20005: 164). در این میان گاه بر جنبه‌های روش‌شناسی نظریه وی تأکید می‌شود. بحث سنخ‌شناسی و زندگی روزمره از آن جمله است (Costello, 1996)؛ اما آیا می‌توان از نظریه شوتس برای توضیح و تحلیل مسأله کنش اقتصادی متفاوت از نظریه انتخاب عقلانی بهره گرفت؟ به نظر می‌رسد نظریه شوتس این امکان را به جامعه‌شناسان اقتصادی می‌دهد که کنش اقتصادی کنشگران را بتوانند با توجه با محیط و موقعیت کنشگر اما در سطح خرد توضیح دهند. هرچند شوتس مستقیم به کنش اقتصادی اشاره نکرده است اما مبنایی فراهم کرده است که می‌تواند برای توضیح مسأله کنش اقتصادی در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی به کار آید. بر اساس نظر شوتس، جامعه‌شناسی نمی‌تواند مستقل از مشاهده زندگی روزمره مردم که دنیای ذهنی مشترکی خلق می‌کنند، کنش به

شکل عام و کنش اقتصادی به شکل خاص را توضیح دهد. شوتس معتقد است که «همه انسان‌ها در ذهن خود قوانین، رویه‌های اجتماعی، مفاهیمی از رفتار مناسب و دیگر اطلاعاتی را دارند که آن‌ها را قادر به کنش در دنیای اجتماعی‌شان می‌کند. شوتس با گسترش مفهوم جهان زندگی (زیست جهان) هوسرل<sup>۱</sup>، برخی از این قوانین، رویه‌ها، مفاهیم و اطلاعات را به‌سان ذخیره دانش در دسترس می‌دید» (Turner, 2014: 406). بر این اساس، ذخیره دانش به‌عنوان چارچوبی به کنشگر کمک می‌کند که رفتار خود را تنظیم کند. واقعیت کنش در زندگی روزمره همین ذخیره دانشی افراد است که در تعامل و ارتباط مشترک ساخته می‌شود (Schutz, 1962). کنشگران در مواجهه عملی با دیگران از جمله دادوستدها از این ذخیره دانشی استفاده می‌کنند. می‌توان گفت بر اساس دیدگاه شوتس، کنشگر در رفتار اقتصادی خود نیز به‌طور معمول از این ذخیره دانش که روتین و روال زندگی است بهره می‌برد. به‌عبارتی، ذخیره دانش مجموعه‌ای از فرضیات و روال‌هایی است که افراد در کنش دوسویه اقتصادی از آن بهره می‌برند. «مردم با شماری از فرضیات عمل می‌کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد معنای مشترکی از دادوستد دیدگاه‌ها بیافرینند. به این معنا که فرض می‌شود افرادی که یک کنشگر باید با آن‌ها رودررو شود در ذخیره دانش کنشگر سهیم‌اند و اگرچه دیگران ممکن است مؤلفه‌های منحصربه‌فردی در ذخیره دانشی خود به‌دلیل زندگینامه خاصشان داشته باشند، ولی می‌توان این مؤلفه‌ها را نادیده گرفت» (Turner, 2014: 407). این پیش‌فرض‌ها و روال‌ها به کنشگران امکان می‌دهد که در موقعیت‌های مختلف عمل کنند و توانایی آن‌ها را برای کنش اقتصادی ارتقا می‌دهد چون ویژگی مشترکی برای همه افراد جامعه ایجاد می‌کند. بر اساس این ذخیره دانشی، افراد به سنخ‌بندی جهان زندگی‌شان روی می‌آورند و می‌توانند به‌صورت کارآمد و مؤثری با سایر افراد کنش داشته باشند (Schutz, 1964). به‌عبارتی، افراد با سنخ‌بندی بر اساس ذخیره دانشی خود با افراد دیگر به‌صورت نمونه‌های مشخص رفتار می‌کنند. شوتس با دو مفهوم ذخیره دانش و سنخ‌بندی نشان می‌دهد که افراد کنش اجتماعی و اقتصادی خود را انجام می‌دهند بدون این‌که مجبور باشند دائماً برای هر کنشی از قبل محاسبه کنند و مدام رابطه میان وسایل و اهداف را بسنجند آن‌گونه که نظریه انتخاب عقلانی معتقد است. شوتس متأثر از جیمز معتقد است کنش را نمی‌توان بر اساس انسان جدا افتاده و منفک از دیگران و بر اساس یک اصل متعالی توضیح داد (Schutz, 1966: 3). کنش متقابل مفهوم اساسی

برای شوتس در مواجهه با توضیح کنش منفک از جامعه است (Schutz, 1962). به عبارتی، ارتباطی بودن کنش، بنیاد نظریه شوتس است و هابرماس این ایده را از شوتس گرفته است (Knoblauch, 2013). براین اساس، توضیح کنش اقتصادی بر پایه ذخیره دانشی توجه توأمان به کنشگر و محیط اجتماعی است. ذخیره دانشی که در ارتباط با دیگران به دست آمده همیشه در ذهن ما وجود دارد که همگون و مشترک میان انسان‌ها است.

### توجه توأمان به روتین‌ها و محاسبه‌گری و محدود کردن انتخاب عقلانی

کنشگران بر اساس فرضیات و روتین‌های مشترک عمل می‌کنند اما در همه موقعیت‌ها نمی‌توان کنش را بر پایه ذخیره دانش و روال‌ها پیش برد. موقعیت‌های چالش‌برانگیزی وجود دارد که کنشگر در ذخیره دانش و روال‌ها بازنمایشی می‌کند (Schutz, 1954). کنشگران ممکن است با موقعیت‌هایی روبرو شوند که روال‌های معمولی و نسخه‌های قبلی به کار نیاید و کنشگر مجبور است در سنخ‌بندی و ذخیره دانش خود یا همان روال‌ها تجدید نظر کند. به‌عنوان مثال، در شرایط ثبات اقتصادی کنشگر بر اساس ذخیره دانشی و روال‌ها رفتار اقتصادی دارد اما در زمان بی‌ثباتی اقتصادی یا تورم که کنش اقتصادی معمول به زیان و ضرر او تمام می‌شود ناچار می‌شود در کنش اقتصادی تجدید نظر کند و به سمت‌وسویی دیگر کشیده می‌شود. مثلاً برای حفظ دارایی خود به سمت بازارهای دیگری سوق داده می‌شود؛ اما اینکه کنشگران چگونه در موقعیت‌های بحث‌برانگیز کنش خود را خلاقانه تغییر می‌دهند، نظریه شوتس کاری از پیش نمی‌برد. بر اساس دیدگاه شوتس، می‌توان گفت همه کنشگران با موقعیت‌های بحث‌برانگیز و تردیدآمیز مواجهه می‌شوند و در این زمان ممکن است روال‌ها به پرسش کشیده شود (Schutz, 1954). شاید بتوان گفت در چنین موقعیت‌هایی راه برای انتخاب‌های محاسبه‌گرایانه باز می‌شود. به عبارتی، در چنین زمانی کنشگر به رابطه میان ابزار و اهداف می‌اندیشد، کنش‌های خود را بازنمایشی می‌کند و ممکن است روال‌ها را به کناری نهد و استراتژی تازه‌ای با بهره‌گیری از ذهن خلاقش به وجود بیاورد؛ اما کنشگران به‌جز در مواقع خاص، در همه کنش‌ها درگیر محاسبه نیستند. ذخیره دانش و روال‌ها چارچوبی برای کنشگر فراهم می‌آورد که بتواند با دیگران کنش اقتصادی تعاملی داشته باشد بدون اینکه مدام به چون‌وچرا بپردازد. بدون روال‌ها و سنخ‌بندی‌ها کنشگران در هر موقعیت از زندگی از جمله رفتار اقتصادی باید واکنش محاسبه‌شده و تازه‌ای اختراع کنند. پس واضح است که کنشگران برای زندگی و رفتار اقتصادی خود به این روال‌ها و نمونه‌سازی‌ها احتیاج دارند. می‌توان نظریه شوتس را در

مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۱۵

تحلیل کنش اقتصادی این‌گونه بیان کرد که سنجش عقلانی و محاسبه میان ابزار و اهداف تنها زمانی ضرورت پیدا می‌کند که ذخیره دانش، روال‌ها و نمونه‌های عملی بحث‌برانگیز شود. «در این زمان، کنشگر باید واکنش رفتاری آگاهانه‌ای را در برابر موقعیت بحث‌برانگیز انتخاب کند. در این موقعیت، کنشگر در اتخاذ یک کنش، به گزینش میان طرح‌ها، برنامه‌ها و یا شقوق رفتاری متفاوت نیاز پیدا می‌کند. طی تصویب طرح کنش برگزیده شده تجارب جدیدی ساخته و پرداخته می‌شوند یعنی به ذخیره دانش موجود چیزهایی افزوده می‌شود» (Ritzer, 1995: 352).

هرچند مفاهیم نظریه شوتس برگرفته از اندیشه هوسرل و دیدگاه پراگماتیستی دیویی است (Tada, 2018) اما مسیری را برای جامعه‌شناسان اقتصادی باز کرده است که با توسعه بینش ارائه شده می‌توان از نظریه انتخاب عقلانی فراتر رفت و توضیح جامعه‌شناسانه‌ای برای مسأله کنش اقتصادی ارائه کرد و نظریه انتخاب عقلانی را محدود به موقعیت‌های خاص دانست. هرچند که آزادی عمل و گزینش کنشگر در رفتار عقلانی هم محدود به طرح‌های تفسیری است (Tada, 2018). بررسی دقیق نظریه شوتس نشان می‌دهد که دیدگاه کرایب (۱۹۹۵: ۱۲۷) که معتقد است دیدگاه شوتس همان نظریه انتخاب عقلانی است، نادرست است. بر اساس دیدگاه شوتس، نظریه انتخاب عقلانی فقط در موارد خاص و محدود برای توضیح کنش اقتصادی کاربرد دارد. نظریه شوتس شاید بسیار انتزاعی به نظر برسد اما بینش‌های متعددی برای توضیح مسأله کنش اقتصادی از درون آن می‌توان استخراج کرد. شوتس سنت غنی برای این منظور فراهم کرده است که تاکنون جامعه‌شناسان اقتصادی به جهت دل‌بستگی زیاد به مفهوم حک‌شدگی از آن غفلت کرده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

جریان اصلی اقتصاد بر فرض کنشگر عقلانی شکل گرفته است که بر اساس موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد می‌تواند با محاسبه و معیارهای منطقی بهترین انتخاب ممکن را از میان ابزارها و وسایل برای دستیابی به هدف خود (منفعت شخصی اقتصادی) انجام دهد. کنش اقتصادی در علم اقتصاد بر اساس انسان اقتصادی منفک از جامعه استوار است که فقط نسبت به قیمت‌ها واکنش نشان می‌دهد. کنشگر بر اساس نظریه انتخاب عقلانی می‌خواهد بیشترین منفعت شخصی و بهترین انتخاب ممکن برای افزایش مطلوبیت خود داشته باشد درحالی‌که کمترین ارتباط و کنش را با دیگران دارد و این ارتباط کوچک‌ترین تأثیری در دنبال کردن منفعت شخصی فرد ندارد. تلاش‌هایی در خود جریان اصلی علم اقتصاد برای به

چالش کشیدن نظریه انتخاب عقلانی و منفعت شخصی انجام شده است از جمله اقتصاد رفتاری که با آزمایش سعی کرده است نشان دهد فرض انتخاب عقلانی در مواردی نادرست است؛ اما این نقد بر اساس رویکرد روان‌شناسانه و با بهره‌گیری از روش آزمایش انجام شده است. در بخش پیشینه اشاره شد که جامعه‌شناسی اقتصادی متعارف در نقد رویکرد انتخاب عقلانی، تحلیل علی را در سطح متفاوتی از کنشگر انجام داده به نحوی که نتوانسته است رویکرد مناسبی برای توضیح کنش اقتصادی جایگزین نظریه انتخاب عقلانی ارائه کند. در این مقاله تلاش شده از سنت جامعه‌شناسی بوردیو و جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه شوتس جایگزینی برای نظریه انتخاب عقلانی در سطح خرد یا تلفیقی از خرد و کلان معرفی کند. به عبارتی تلاش شده است مسأله کنش اقتصادی را به مسیر تازه‌ای با تأمل در سنت غنی جامعه‌شناسی پیش برده شود.

استراتژی‌های متفاوتی در جامعه‌شناسی اقتصادی در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی مطرح شده است. استراتژی اول و مهم‌تر از همه متعلق به جامعه‌شناسانی است که با مفهوم حک‌شدگی، کنش اقتصادی را توضیح داده‌اند. تبیین کنش اقتصادی با استفاده از مفهوم حک‌شدگی در سطح میان‌برد است که انسان اقتصادی را با توجه به شبکه روابط اجتماعی توضیح می‌دهد. این رویکرد در تقویت خلاقیت جامعه‌شناسان اقتصادی برای مطالعه پدیده‌هایی مانند بازار و بنگاه موفق عمل کرده است. استراتژی دوم بر اساس رویکرد پارسونز و اسملسر شکل گرفته است. آن‌ها معتقدند فاصله زیادی بین اقتصاد و جامعه‌شناسی وجود دارد و نظریه انتخاب عقلانی نمی‌تواند مسأله نظم را توضیح دهد. بر اساس این رویکرد، منفعت شخصی چنان سست و بی‌بنیاد است که نمی‌تواند نظام‌ساز باشد. اهداف کنشگر به وسیله ارزش‌ها و هنجارها مشخص می‌شود و علم اقتصاد فقط قادر به توضیح دادن ابزار و وسایل منطقی دست‌یابی به اهداف است. استراتژی این رویکرد در چارچوب همان منطق وسیله و هدف نظریه انتخاب عقلانی قرار می‌گیرد که فقط توضیح می‌دهد اهداف اجتماعی هستند. در این رویکرد، منفعت شخصی و انتخاب عقلانی اهمیت کمی دارند و همه‌چیز از جمله کنش اقتصادی به هنجارها تقلیل می‌یابد. استراتژی سوم این بود که نظریه انتخاب عقلانی بنیاد و اساس جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی اقتصادی است. منفعت شخصی اقتصادی و انتخاب عقلانی اصل حیات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها است.

می‌توان با بهره‌گیری از برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی توضیح مفیدتری درباره مسأله کنش اقتصادی ارائه کرد. در این مقاله استدلال شد رویکردهای متعارف در جامعه‌شناسی اقتصادی به‌ویژه رویکرد هنجارها و حک‌شدگی در سطح متفاوتی از نظریه

مسأله کنش اقتصادی: امکان بدیل جامعه‌شناختی در ...؛ نوذری ۲۱۷

انتخاب عقلانی، کنش اقتصادی را توضیح می‌دهند که نمی‌توانند جایگزین آن باشند. برای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش بررسی انتقادی دو نظریه بورديو و شوتس مورد توجه قرار گرفت. این دو سنت نظری سطح تحلیل علی نزدیک‌تری با آنچه نظریه انتخاب عقلانی اشاره دارد، ارائه کرده‌اند که می‌توان گفت بدیلی برای آن در جامعه‌شناسی معرفی کرده‌اند اما بورديو و شوتس در مواجهه با رفتارهای محاسبه‌گرایانه با هم تفاوت اساسی دارند. علاوه بر آن، در این دو نظریه، انتخاب عقلانی کنشگر از طرد کامل تا جایگاه محدود در نوسان است.

بورديو با تلفیق سطح خرد و کلان به‌نحوی که هم متغیرهای ذهنی و هم عینی و هم ساختار اجتماعی و هم عاملیت کنشگر را شامل شود مسأله کنش اقتصادی را متفاوت از نظریه انتخاب عقلانی توضیح می‌دهد. وی کنش اقتصادی را در رابطه با دو مفهوم میدان و عادت‌واره تبیین می‌کند. بورديو تبیینی برای توضیح کنش اقتصادی فراهم کرده است که بدیع و تازه است. تحلیل وی رابطه کنش اقتصادی را با نظریه انتخاب عقلانی و اقتصادگرایی قطع می‌کند؛ اما در نظریه بورديو جایی برای انگیزه‌های مالی و از پیش اندیشیده شده و ذهنیت محاسبه‌گر باقی نمی‌ماند. تلاش بورديو برای فهم کنش اقتصادی متفاوت از نظریه انتخاب عقلانی ما را از مسیر فهم برخی کنش‌های اقتصادی محاسبه‌گرایانه در موقعیت‌های خاص دور کرده است؛ اما در نظریه شوتس کماکان در موقعیت‌های خاص جایی برای انتخاب عقلانی و محاسبه‌گری وجود دارد. کنش اقتصادی با توجه به ذخیره دانش مشترک و روال‌ها صورت می‌گیرد مگر این که روال‌ها در موقعیت‌های خاص بحث‌برانگیز شود که در این صورت کنشگر وضعیت را دوباره موردبررسی عقلانی قرار می‌دهد. بر اساس نظریه شوتس، می‌توان گفت نظریه انتخاب عقلانی کاربرد خاص در موقعیت‌های خاص دارد و نمی‌توان آن را یک نظریه عام فرض کرد.

بر اساس نظریه شوتس می‌توان گفت بخش زیادی از کنش اقتصادی افراد بر اساس ذخیره دانشی و روال‌ها و نسخه‌های عملی قبلی انجام می‌شود و در موقعیت‌هایی که بحث‌برانگیز است، کنشگر محاسبه‌گرایانه عمل می‌کند. به‌عنوان مثال، اگر پژوهشگری بخواهد کنش اقتصادی مانند خرید را مطالعه کند با این فرض آغاز می‌کند که افراد بر اساس روال‌ها و روتین‌ها کالاها و خدمات مد نظر خود را تهیه می‌کنند یا حتی بخش زیادی از رفتار اقتصادی تولیدکننده نیز بر همین مبنا می‌توان تحلیل کرد؛ اما محاسبه‌گری و رفتار چرتکه‌ای برخلاف نظریه بورديو به‌طورکلی کنار نمی‌رود بلکه کنشگران با موقعیت‌هایی مانند بی‌ثباتی اقتصادی، تورم و رکود مواجه می‌شوند که روال‌ها، روتین‌ها و

طرح‌های تفسیری قبل چالش‌برانگیز می‌شوند که در آن صورت کنشگر رابطه بین ابزار و وسایل با اهداف را مورد تجدیدنظر قرار می‌دهد و با محاسبه‌گری ابزار و وسایل مناسب‌تری برمی‌گزیند و این انتخاب جدید تبدیل به روتین و عادت می‌شود و به طرح تفسیری کنشگر اضافه می‌گردد تا اینکه مجدداً در موقعیت‌های محدود بحث‌برانگیز آتی این رفتار تکرار شود؛ بنابراین انتخاب عقلانی و اندیشیدن به رابطه میان وسایل و اهداف رفتار همیشگی کنشگر نیست. نظریه شوتس برای توضیح کنش اقتصادی در جامعه‌شناسی اقتصادی مغفول مانده است در حالی که چارچوب جامعه‌شناختی مؤثری، در مقابل نظریه انتخاب عقلانی اقتصاد نوکلاسیک و ضعف‌های متعدد آن، برای توضیح رفتار اقتصادی است.

بر اساس مبانی نظری پژوهش می‌توان گفت نظریات کلی و جهان‌شمول از انسان اقتصادی یا جامعه‌شناختی به امپریالیست اقتصادی و جامعه‌شناختی منجر می‌شود همان‌گونه که نظریه انتخاب عقلانی و رویکرد بوردیو این گونه‌اند. مدل محاسبه‌گری انتخاب عقلانی که علم اقتصاد از آن استفاده می‌کند گاهی با توجه به موقعیت‌ها و ساختار آن سودمندتر از آن است که جامعه‌شناسانی مانند پارسونز و بوردیو به‌طور کلی آن را کنار گذاشته‌اند ولی این بدان معنا نیست که اعتبار کلی و جهان‌شمول دارد. همچنین مدلی که جامعه‌شناسان اقتصادی در مقابل محاسبه‌گری نظریه انتخاب عقلانی درباره شناخت کنش اقتصادی مطرح کرده‌اند در برخی موقعیت‌ها اهمیت دارد. کنش اقتصادی نه همیشه بر اساس محاسبه‌گری می‌توان تحلیل کرد و نه همیشه بر طبق عادات و روتین‌ها قابل توضیح است. می‌توان موقعیت‌هایی متصور شد که در آن راهبرد کنشگران عمل بر اساس ذخیره دانشی (روتین و عادتواره) است و بالعکس. این بدان معنا است که ایده محاسبه‌گری در برخی موقعیت‌ها آشکار است که شوتس استادانه به آن پی برده است؛ بنابراین برخی جامعه‌شناسان به‌طور کامل و برخی دیگر مانند شوتس تا حدی از مفهوم محاسبه‌گری و انتخاب عقلانی فاصله می‌گیرند. نظریه شوتس در مواجهه با نظریه انتخاب عقلانی چند ویژگی مشخص دارد. الف) تحلیل کنش اقتصادی بر اساس رابطه میان کنش و ساختار ب) تلفیق محاسبه‌گری با روتین‌ها به‌طوری که امکان تحلیل رفتار اقتصادی در سطح خرد فراهم می‌آید.



## References

- Bauer, P. & Yamey, B. S. (1957). *The Economic of Underdeveloped Countries*. Chicago: University of Chicago Press.
- Beamish, T. D. (2007). *Economic Sociology in the next Decade and beyond*. American Behavioral Scientist, 50(8), 993-1014.
- Becker, Gary. (1976). *The Economic Approach to Human Behavior*. Chicago: University of Chicago Press.
- Beckert, J. (1999). *Economic Action and Embeddedness: The Problem of the Structure of Action*. Berlin: Free University of Berlin.
- Benton, T. & Craib, I. (2005). *Philosophy of Science: The Philosophical Foundations of Social Thought*. Translated into Persian Shahnaz Mosammaparast & Mahmood Motahed. Tehran: Agah Publication.
- Berger, P. & Luckman, T. (1976). *The Social Construction of Reality*. London: Allen Lan.
- Boudon, R. (1981). *The Logic of Social Action*. London: Routledge.
- Bourdieu, P. (1998). *Practical on the Theory Reason of Action*. Stanford: Stanford University Pres.
- Bourdieu, P. (2005). *Principles of an Economic Anthropology*. In N. Smelser, & R. Swedberg (Eds.), *The Handbook of Economic Sociology* (pp. 75-89). Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Coleman, J. (1986). *Individual Interests and Collective Action: Selected Essays*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Coleman, J. (1990). *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Belknap Press.
- Costelloe, Timothy M. (1996). *Between the Subject and Sociology: Alfred Schutz's Phenomenology of the Life-World*. Human Studies, 19, 247-266.
- Craib, I. (1995). *Modern Social Theory: From Parsons to Habermas*. Translated into Persian Abbas Mokhber. Tehran: Agah Publication.
- DiMaggio, P. & Powell, W. (1991). **Introduction**. In Paul DiMaggio and Walter Powell, (Eds), *The New Institutionalism in Organizational Analysis*, (PP. 1-38). Chicago: Chicago University Press.
- Dobbin, F. (2005). *Comparative and Historical Approaches of Economic Sociology*. In N. Smelser, & R. Swedberg (Eds.), *The Handbook of Economic Sociology* (pp. 26-48). Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Fevre, R. (2003). *The new Sociology of Economic Behavior*. London: Sage.
- Granovetter, M. (1985). "Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness". American Journal of Sociology, 91, 481-510.

- Grenfell, M. (2008). *Pierre Bourdieu: Key Concepts*, Translated into Persian Mohammad Mehdi labibi. Iran: Afkare Publication.
- Guillén, M. Collins, R. England, P. & Meyer, M. (2005). *The Revival of Economic Sociology. In M. Guillén, R. Collins, P. England, & M. Meyer (Eds.)*, The new Economic Sociology Developments in an Emerging Field (pp. 1-32). New York: Russell Sage Foundation.
- Habermas, J. (1984). *Theory of Communicative Action, Volume 1: Reason and the Rationalization of Society* (A. T. McCarthy, Trans.). Boston, Mass: Beacon Press.
- Hechter, M.(1994). *The Role of Values in Rational Choice Theory*. Rationality & Society 6, (3), 318-334.
- Jenkins, R. (2002). *Pierre Bourdieu*. London & New York, Routledge.
- Kirzner, I. M. (2005). *Human Attitudes and Economic Growth*. Cato journal, 1 25(3), 20-35.
- Kiser, E. & Hechter, M. (1998). *The Debate on Historical Sociology Rational Choice Theory and its Critics*. American Journal of Sociology, 104(3), 758-791.
- Knoblauch, H. (2013). *Alfred Schutz' Theory of Communicative Action. Human Studies*, 4. doi 10.1007/s10746-013-9278-9.
- Lucas, R. E. (1972). *Expectation and the Neutrality of Money*. Journal of Economic Theory, 4, 103-124.
- Myten, M. (2008). *Habitus*. In Grenfell, M. *Pierre Bourdieu: Key Concepts*, Translated into Persian Mohammad Mehdi labibi. Iran: Afkare Publication.
- Neeli, M. (2013). *Fundamentals of Economics*, Tehran: Ney Publication.
- Parsons, T. & Smelser, N. (1965). *Economy and Society: A Study in the Integration of Economic and Social Theory*. New York: Free Press.
- Parsons, T. (1937). *The Structure of Social Action*. New York: Free Press.
- Polanyi. K. (2012). *The Great Transformation: The Political and Economic Origins of Our Time*. Translated into Persian Mohammad Maljoo. Tehran: Paradise Danesh Publication.
- Ritzer, G. (1995). *Contemporary Sociological theory*. Translated into Persian Mohsen Salasi. Iran: Elmi Publication.
- Rodrik, D. (2016). *Economics Rules: The Rights and Wrongs of the Dismal Science*. Translated into Persian Mohammadreza Farhadi. Tehran: Asheyan Publication.
- Schutz, A. (1954). *Concept and Theory Formation in the Social Sciences*. The Journal of Philosophy, 51 (9), 257-273.
- Schutz, A. (1962). *Symbol, Reality and Society*. In H.L. van Breda & M.A. Natanson (Eds.), Collected papers I (pp. 287–339). The Hague: Nijhoff.

- Schutz, A. (1964). *The Dimensions of the Social world*. In H.L. van Breda & M.A. Natanson (Eds.), *Collected papers II* (pp. 20–63). Den Haag: Nijhoff.
- Schutz, A. (1966). *William James's Concept of the Stream of Thought Phenomenologically Interpreted*". In: *Schutz I (ed.) Collected Papers III: Studies in Phenomenological Philosophy*. (pp.1-14) The Hague: Martinus Nijhoff.
- Simon, H. (1957). *Administrative Behavior*. Glencoe, Free Press.
- Smith, P. D. (2014). *Cultural Theory an Introduction*. Translated into Persian Hassan Pouyan. Iran: Iranculture Studies Publication.
- Swedberg, R. (2004). *What has been accomplished in New Economic Sociology and where is it Heading?* *European Journal of Sociology*, 45(3), 317-330
- Swedberg, R. (2005). *Interest*. New York: Open University Press.
- Tada, M. (2018). *Time as Sociology's Basic Concept: A Perspective from Alfred Schutz's Phenomenological Sociology and Niklas Luhmann's Social Systems Theory*. *Time and Society*, 0(0) 1–18. doi: 10.1177/0961463X18754458.
- Turner, J. H. (2014). *Contemporary Sociological Theory*. Translated into Persian Alliashtar Moghaddas and Maryam Soroosh. Tehran: Jameshenasan Publication.
- Zafirovski, M. & Levine, B. (1997). *Economic Sociology Reformulated: The Interface Between Economics and Sociology*. *Economics and Sociology*, 56(3), 265-285.
- Zukin, S. & DiMaggio, P. (1990). *Introduction*. In S. Zukin, & P. DiMaggio. (Eds.), *Structure of Aaoital* (pp. 1-36). New York: Cambridge University Press.